



بررسی عوامل مؤثر بر فرایند سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی ایران

محمد جواد پور^{۱*}، ناهید اتقیاء^۲، سمیه رهبری^۳، حلیمه طایفی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۲

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر فرایند سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی ایران بود. **روش‌شناسی:** پژوهش حاضر از نظر هدف در شمار پژوهش‌های کاربردی و از منظر ماهیت داده‌های پژوهشی جزو پژوهش‌های کیفی است. برای این منظور ۱۶ نفر از خبرگان آشنا با حوزه ورزش همگانی به صورت هدفمند و گلوله برفی برای مصاحبه‌های عمیق ساختارنیافته انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه گردآوری شدند و به روش استرابت و کارپنتر کدگذاری و تجزیه و تحلیل گردید. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که عوامل مؤثر بر فرایند سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی ایران شامل سیاست‌های جاری، توصیه بزرگان، ادارات و سازمان‌های ذیربط و مسئول، فرهنگ عمومی و رسانه‌ها و مسائل مالی می‌باشد. همچنین آسیب‌های موجود در این فرآیند شامل عواملی از جمله ضعف نظارت و کنترل، ساختار ضعیف، ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا، عملکرد ضعیف رسانه‌ها، منابع مالی محدود، عملکرد ضعیف نیروی انسانی، قوانین، مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی نیز شناسایی گردید. **نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود که توجه و تحلیل این عوامل، از اولین گام‌ها در فرایند و تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاری ورزش همگانی در ایران بشمار آید.

واژه‌های کلیدی: سیاست‌گذاری، ورزش همگانی، ایران

۱. دانشیار گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ۲. دانشیار گروه تربیت بدنی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران، ۳. دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، ۴. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

* نشانی الکترونیک نویسنده مسئول: javadipour@ut.ac.ir

مقدمه

امروزه در جوامع پیشرفته دنیا، فواید ورزش بر کسی پوشیده نیست. ورزش از یک سو روح سلامتی، همدلی، همکاری و وحدت ملی را در خود دارد و از سویی دیگر ابزاری قدرتمند در دست سیاستمداران جهت معرفی، گسترش سیاست‌ها و فرهنگ‌ها و اعمال قدرت در جهان است (Taefi, 2014). از این رو سیاست گذاران از این ظرفیت بالقوه در دو بعد ورزش قهرمانی و ورزش همگانی غافل نمی‌شوند. ضرورت، اهمیت و فواید پرداختن به هر کدام از این ابعاد یکسان بوده و در صورت سیاست‌گذاری صحیح و اجرای دقیق، منافع اجتماعی، فردی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فراوانی را در پی دارد.

از سوی دیگر ورزش همگانی با بطن جامعه مرتبط بوده و هدف آن انتشار نشاط و شادابی، بالا بردن روحیه و افزایش انگیزه، داشتن زندگی سالم در بعد فردی و اجتماعی، کم کردن ناهنجاری‌های خانوادگی و اجتماعی در کنار تقویت قوای جسمانی و از بین بردن مشکلات روحی و روانی در اقشار مختلف جامعه اعم از مرد و زن و پیر و جوان است (Arab Narmi, 2016; keshkar, 2017; Masaru, 2005; Thomas, 2010). به همین دلیل پرداختن به آن و اعمال سیاست‌های صحیح برای رسیدن به اهداف آن، اگر بالاتر از اهمیت پرداختن به ورزش قهرمانی نباشد، کمتر از آن نیست. چه بسا فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی و رساندن آن به نقطه مطلوب و جذب جامعه هدف که همانا خانواده‌ها، جوانان و نوجوانان می‌باشد به دلیل گستردگی آن بسیار پیچیده بوده و به توجه و هماهنگی بیشتر میان

حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و همکاری متقابل نهادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جهت فرهنگ‌سازی، آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی، ایجاد امکانات کم هزینه و سهل‌الوصول برای سطوح مختلف اجتماع نیاز دارد (Houlihan, 2005).

علم سیاست‌گذاری به عنوان یکی از شاخه‌های علوم سیاسی، از امنیت عمومی، آموزش کادرهای دولتی، پیش‌بینی فعالیت‌های دولت، امور مالی، حوزه بهداشت و سلامت، حمل و نقل، برنامه‌ریزی شهری و تدبیر امور جامعه سخن به میان می‌آورد (Piggin, 2014). نظام سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در هر کشوری با توجه به اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ساختار و بافت سیاسی، وضعیت نخبگان و رأی‌دهندگان آن، ضمن تفاوت با نظام سیاست‌گذاری سایر کشورها، می‌تواند با نظام علمی و سایر مدل‌های سیاست‌گذاری هم متفاوت باشد (Nicholson, 2011). نظام سیاست‌گذاری در ایران نیز بنیادهای معرفتی و نظری خاصی دارد که به وجود آورنده ابزارها و فنون متناسب با خود هستند. از این رو برای شناخت سیاست و سیاست‌گذاری، شناخت این بنیادها می‌تواند از یک سو به بهینه‌سازی فرایندهای سیاست‌گذاری آینده کمک شایانی کند و از سوی دیگر ما را با نقاط قوت و ضعف و خلاءهای موجود آشنا سازد (Alwani, 2004). مارتین لوترکینگ^۱ می‌گوید: اگر می‌خواهید مردم را به حرکت وا دارید، حرکت باید به سوی چشم اندازی باشد که از نظر آن‌ها مثبت است، از ارزش‌های مهمی بهره گیرد، چیزی که آن‌ها آرزویش را

1. Martin Luther King

توسعه ورزش^۱ در سطح بین‌المللی، با وضع قانون یا راهبردهای تنظی‌می‌روشن و برنامه‌های صریح و اختصاصی و البته بودجه‌های متعهد توسعه داده‌اند (Kim, 2001). هر چند ورزش امری اجتماعی است، ولی در تحلیل این پدیده بر مبنای فرضیه‌ها و نظریه‌های علوم اجتماعی باید با احتیاط بیشتر نسبت به خیلی از امور اجتماعی دیگر برخورد کرد، زیرا در تحلیل پدیده ورزش باید بر مبنای تحلیل پدیده‌های بین رشته‌ای عمل کنیم؛ چرا که بدون شک امروزه ورزش به طور ویژه با فرهنگ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، سیاست و غیره پیوند یافته است. در حالی که در تحلیل پدیده‌های اجتماعی می‌توان همزمان با توجه به شرایط دیگر، از یک عامل یا شرایط (بسته به نوع پدیده) به عنوان عامل اصلی یاد کرد. دیدگاه جامعه‌شناختی کارکردگرایی^۲ نیز معتقد است ورزش با تخلیه هیجان‌ها و تنش‌ها و انرژی پرخشگری افراد و تأکید بر ارزش‌های مثبت اجتماعی دارای نقش در جامعه‌پذیری سیاسی بوده و باعث تقویت وحدت ملی و ثبات و تعادل اجتماعی می‌گردد. این دیدگاه بر این اعتقاد است که زمانی ثبات و تعادل اجتماعی حفظ می‌شود که ارزش‌ها و محیط با هم سازگار باشند و آن هم در صورتی است که از جمله ارزش‌های جامعه از طریق یک روند با کفایت جامعه‌پذیری به خوبی به نسل‌های جدید منتقل گردد (Johnson, 1984; Malakoutian, 2009; Malekakhlagh, 2017).

دارند به آن‌ها بدهد و نیز باید به روشی الزامی عرضه شود که آن‌ها احساس کنند برای پیگیری آن اشتیاق دارند (Sport, 2002). در سی سال گذشته تمایل دولت و سیاست‌مداران ایرانی به این سمت بوده است که مشارکت بیشتری در ورزش داشته باشند و به دنبال بهره‌برداری از ورزش در راستای حوزه وسیعی از اهداف داخلی و بین‌المللی باشند. با این حال سیاست‌مداران دریافته‌اند که ایجاد مجموعه اثبات از ترتیبات اداری برای ورزش در دستگاه دولت آسان نیست. دو مشکل کلیدی وجود دارد: ابتدا ایجاد روابط قابل قبول و دوسویه با بدنه‌های دولتی ورزش و دوم شناسایی محل و دپارتمانی مناسب برای ورزش است (M. Dousti, Godarzi, M., Asadi, H., Khabiri, M., 2013). سازمان‌های ورزشی برحسب شرایط محیط درونی و بیرونی خود و با استفاده از فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک به میزان مختلف از استراتژی‌های نوآورانه، توسعه‌ای، اکتشافی و تقویتی مطابق با جذابیت برنامه‌ها و وضعیت رقابتی برای رویارویی با این تحولات و دستیابی به اهداف خود استفاده کرده‌اند (Thibault, 2010). بسیاری از سازمان‌های ورزشی در این فرایند به تعیین حوزه‌های کلیدی عملکرد مانند: مدیریت، ورزش همگانی و قهرمانی و ... پرداخته‌اند و براساس یک کار علمی و مشارکتی به تدوین و اجرای برنامه استراتژیک مبادرت نموده‌اند (Comission, 2017). با اینکه اکثر دولت‌ها سیاست‌های ملی داشته و بسیاری از آن‌ها بودجه‌هایی را به طرح‌های بین‌المللی اختصاص می‌دهند، ولی تعداد کمی از آن‌ها چارچوب سیاسی هم‌نوایی را برای هدایت/مساعدت برنامه

1. SDP

2. Functionalism

۴. عدم مطالعه درباره ورزش های مطلوب جامعه.

۵. عدم استقبال جامعه از ورزش همگانی (Asefi, 2017).

کشورهای مختلف جهان با مشکلات مشابهی در برنامه ریزی و سیاست گذاری ورزش رو به رو هستند. جایگاه ورزش در مدارس، ایجاد تعادل بین ورزش همگانی و قهرمانی، نقش دولت در قانون گذاری و گسترش ورزش از چالش های مشترک فراروی دولت ها به شمار می روند (Österlind, 2016; Tinaz, 2014). آنچه بیش از همه مشخص است دخالت و ورود فزاینده دولت ها به عرصه ورزش در زمینه فراهم کردن امکانات، اجرا و هماهنگ کردن فعالیت ها است. ورزش همگانی ذاتاً درآمدزا نیست، در نتیجه دولت ها باید با سیاست های حمایتی برای گسترش آن اقدام کنند. دولت ها با سرمایه گذاری های اندک می توانند در مواقعی که فرصت هایی برای ورزش و تفریح پیش می آید، کیفیت اوقات فراغت مردم را بالا ببرند و همه افراد جامعه را وارد عرصه ورزش کنند. همچنین تأکید مقام معظم رهبری در پیام نوروزی سال ۱۳۸۹ به امر همگانی کردن ورزش، به منظور توجه بیش از پیش به ورزش در ساختار وزارتی جدید، انجام پژوهشی جامع نگر را لازم می کند. به رغم تمام اقداماتی که در جهت حمایت از فرصت های ورزشی انجام شده، همچنان بخش عمده ای از جمعیت کشور فعالیت جسمانی کافی انجام نمی دهند. نتایج پژوهش امان^۱ (۲۰۰۵) نشان داد که رسانه ها و تجارت باعث تغییر نگرش مردم نسبت به ورزش شده، به طوری که میزان

در توسعه نظام ورزشی ایران مشکلاتی وجود دارد. مهم ترین مشکل عدم وجود سیاست ورزشی واضح می باشد. با تصویب سند راهبردی نظام جامع تربیت بدنی و ورزش در سال ۱۳۸۲ توسط هیأت دولت و در راستای اجرای آن، ورزش همگانی و تفریحی و ورزش قهرمانی به عنوان دو مؤلفه اصلی مورد توجه قرار گرفتند. بر این اساس مرکز توسعه ورزش همگانی و تفریحی و مرکز توسعه ورزش قهرمانی در سازمان تربیت بدنی تأسیس شدند تا بتوانند علاوه بر رفع نیاز جامعه امروز، اقدامات مؤثر انجام دهند و منابع لازم را جهت بهبود وضع جسمانی و روانی و توسعه و پرورش مطلوب ورزشکاران بکار گیرند (Teimuri, 2006). از جمله وظایف مرکز توسعه ورزش همگانی و تفریحی، تدوین سیاست ها و برنامه ها و انجام هماهنگی های لازم جهت توسعه ورزش همگانی و تفریحی مردان و زنان در سراسر کشور و همچنین برنامه ریزی و هماهنگی در جهت عینیت بخشیدن به سیاست های تعیین شده در قالب راهبردهای توسعه ورزش برای همه می باشد. همچنین مشکلات ورزش همگانی را می توان این گونه خلاصه کرد:

۱. کاستی های سازمانی: فدراسیون ورزش همگانی یک فدراسیون نوپاست که اهداف آن تنها در چهار بخش اصلی: تبلیغاتی، آموزشی، مسابقات و تهیه امکانات خلاصه شده است.
۲. کمبود امکانات.
۳. فقدان برنامه مدون برای گسترش ورزش همگانی بر خلاف تأکیدی که بر رشد و گسترش ورزش همگانی می شود.

1. Aman

وضعیت توسعه یافته در کشور مالزی با موفقیت پیاده سازی شوند (Sargit, 2017). نتایج تحقیق ناگلا و فوناکی^۲ (۲۰۱۷) با عنوان ورزش همگانی در جامعه ژاپن: پیش به سوی یک آرمانشهر ورزشی حاکی از این بود که به منظور تحقق ورزش برای تمام جامعه، یا آنچه به عنوان آرمانشهر ورزشی نامیده می شود، قانون پایه ورزشی و طرح پایه ورزشی از سال ۲۰۱۱ در ژاپن تصویب شده است. این جنبش برای تحقق آرمانشهر ورزشی به یکی از مسائل اصلی و جدی سیاسی در جوامع پسا صنعتی در دو دهه گذشته بدل شده است. در این مقاله اشاره شده است که هر چند، رقابت های مدال آوران ورزشی جهانی اخیر بسیار بیش از حد بوده اند و بسیاری از کشورها را از رسیدن به یک آرمانشهر ورزشی بازداشته اند و ژاپن نیز از این قاعده مستثنی نیست، ولی انتظار می رود بازی های المپیک و پارالمپیک ۲۰۲۰ توکیو به کاتالیزوری برای ترویج ورزش اقلیت ها مانند معلولان، سالمندان، زنان و اقلیت های اجتماعی تبدیل گردد. به این منظور، این رویداد ورزشی جهانی باید به ایجاد میراثی برای تحقق آرمانشهر ورزشی در ژاپن بینجامد (Nogawa, 2017).

شعبانی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه خود در مورد چالش های درونی ورزش همگانی مشاهده کردند که نبود برنامه های مدون برای تشویق و ترغیب مردم به ورزش همگانی و نبود مدیریت واحد و سیاست یکسان در زمینه ورزش همگانی و بهره نگرفتن از نیروهای متخصص و کارشناس در زمینه ورزش همگانی از مهمترین ضعف ها و چالش های شناخته شده است.

مشارکت در ورزش طبق بررسی سال های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۲ رشد چشمگیری داشته است. در این میان احزاب سیاسی در نیوزلند و مالزی در این دوره از ورزش جهت شکل دهی افکار عمومی در کشورشان استفاده کردند (Aman, 2005). هولیهان^۱ (۲۰۰۵) در مطالعه ای به توسعه چهارچوبی برای تحلیل تدوین سیاست گذاری بخش عمومی ورزش انگلستان پرداخت. الگوی مراحل، تحلیل سازمانی، الگوی چند مرحله ای جریان و ساختار ترکیبی پشتیبان را ارائه می کند و سپس ساختاری مناسب برای سیاست گذاری بخش عمومی ورزش که بر نقاط قوت ساختارهای موجود تاکید دارد، ارائه می نماید و تاکید ویژه ای بر ساختارهای متقابل همکاری همه نهادها در این حوزه دارد (Houlihan, 2005). نتایج پژوهش سارجیت سینگ^۲ (۲۰۱۷) که به سیاست ها و استراتژی های توسعه ورزش همگانی در کشور مالزی پرداخت، نشان داد که دولت مالزی از طریق وزارت ورزش و جوانان سه برنامه بزرگ ملی برای افراد در تمام سنین راه اندازی کرده است. این سه برنامه، "مالزی متناسب"، "روز ملی ورزش" و "الهام بخشیدن" بودند. این برنامه ها در تمام ۱۵ ایالت و بیش از ۱۲۰ بخش سازمان دهی شده و در نتیجه تمام مردم با هرگونه زندگی و سن را در برمی گیرند. در نهایت، هدف اصلی این سیاست ورزشی تبدیل ورزش به یک فرهنگ در زندگی روزمره مردم بود. اهداف و استراتژی های مشخص شده در این سیاست تضمین می کنند که تمام تلاش ها در این راستا، همراه با تلاش ها برای رسیدن به

1. Houlihan
2. Sargit Singh

با شناخت چالش‌های ورزش همگانی کشور در هر دو بخش درونی و بیرونی، سیاست‌گذاری و به کارگیری استراتژی‌های بلندمدت برای توسعه ورزش همگانی آسان‌تر و عملی‌تر می‌شود. استراتژی‌های ورزش همگانی باید به گونه‌ای تدوین شود که بتواند در جهت کاهش ضعف‌های ورزش همگانی کشور حرکت کند. نتایج پژوهش دوستی (۱۳۹۰) با عنوان علل ورود سیاست-مداران در ورزش حاکی از این امر بود که در میان ۷۳ متغیر در بحث عوامل مرتبط با ورود مدیران سیاسی ورزش، بخش علل و دلایل ورود و دخالت مدیران سیاسی به ورزش (۳۱ متغیر) بنظر مهم‌تر می‌رسد (M. Dousti, 2011). جوادی‌پور (۱۳۹۰) نشان داد که برنامه‌های منظمی برای رشد و توسعه ورزش همگانی در کشورهای استرالیا، آلمان، ژاپن، مالزی، فنلاند و دانمارک وجود دارد. عوامل متعددی در این موفقیت نقش دارد که قبل از هر چیز می‌توان به رشد برنامه ورزش همگانی در چارچوب برنامه‌های ملی این کشورها و حمایت مؤثر دولت‌ها از این برنامه‌ها اشاره کرد. همچنین توسعه برنامه‌های ورزش همگانی به صورت مداوم، برگزاری جشنواره‌ها و برنامه‌های مختلف اجتماعی، بازاریابی و داشتن استراتژی و سیاست‌های روشن و مدون برای توسعه ورزش همگانی از عوامل اصلی توسعه ورزش همگانی در کشورهای مورد بررسی بود (M. Javadipour, 2011). آصفی (۱۳۹۶) بیان می‌کند که دولت یا نهاد حکومتی کشور می‌تواند نقش مهمی در نهادینه شدن ورزش همگانی در ایران ایفا کند. همچنین از نتایج تحقیق او این بود که تدوین قوانین و مقررات مناسب و لازم الاجرا در زمینه ورزش همگانی نیز در نهادینه

شدن آن می‌تواند سهم مهمی داشته باشد. از جمله تحقیقات دیگری که در این حوزه انجام شده است، می‌توان به پژوهش شعبانی و همکاران (۱۳۹۳) اشاره نمود که به مطالعه برنامه‌ها، سیاست‌ها و راهبردهای ورزشی همگانی در طرح جامع ورزش کشور پرداختند، یافته‌های تحقیق نشان داد که تفاوت معناداری بین نقاط درونی هر چهار متغیر قوت، ضعف، فرصت و تهدید در ورزش همگانی طرح جامع ورزش وجود دارد که به ترتیب اهمیت در هر متغیر مشخص شده‌اند. همانطور که از پیشینه تحقیق مشخص است، در کشور ایران پژوهشی پیرامون سیاست‌گذاری ورزش همگانی انجام نشده است، در این تحقیق سعی شد با بهره‌گیری از سایر مطالعات داخلی و خارجی به بررسی مؤثرترین عوامل در این زمینه که با شرایط کشور سازگاری داشته باشد، پرداخته شود.

بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده و با توجه به چشم‌انداز فدراسیون ورزش‌های همگانی و تفریحی (حرکت به سوی ایرانی فعال، شاداب و سالم تا سال ۱۴۰۴ با پوشش ۵۰٪ از افراد جامعه) و تعریف حرکت؛ "سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، بسترسازی، ایجاد انگیزه، حمایت و حفظ دستاوردها"، سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی در ایران اهمیت و ضرورت می‌یابد و با توجه به اینکه مسئله ورزش همگانی از حساسیت و اثرگذاری در سطوح جامعه برخوردار است، حمایت زیادی را از سوی عموم مردم، کارگزاران، سیاست‌مداران و بخش خصوصی برای قرارگیری این مسئله در دستور کار می‌طلبد. متأسفانه در کشور ما، به ورزش همگانی و تفریحی بطور سازمان یافته، کمتر توجه شده

است، مشارکت پایین افراد جامعه در ورزش همگانی و فقدان یک نظام قانونی، یکپارچه و اجرایی برای استعدادیابی و پرورش ورزشکاران، موجب ضعف در ورزش قهرمانی و کاهش زمینه ظهور و بروز استعدادهای ورزشی شده است و نیاز به ایجاد مراکزی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در امر ورزش همگانی و قهرمانی بیش از پیش احساس می‌گردد (Teimuri, 2006). به همین منظور تحقیق حاضر سعی دارد که با نگاهی علمی و محققانه به شناخت عوامل تأثیرگذار بر فرآیند سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی ایران بپردازد. معرفی و بررسی چارچوب‌های موجود در تحلیل سیاست‌های ورزش و به تبع آن سیاست‌ها و برنامه‌های ورزش همگانی می‌تواند خلاء موجود در ارزیابی سطوح سیاست‌گذاری را پوشش دهد. از یک طرف، داشتن مدل و رویکرد در فرایند سیاست‌گذاری ورزش همگانی می‌تواند به صورت علمی به ارزیابی مجدد اولویت‌های سیاسی مربوط به ورزش همگانی بپردازد و از طرف دیگر، به درک سریع روابط سیاست‌گذاری موجود در جهان واقعیت بپردازد. تدوین یک برنامه منسجم در این باره سبب حمایت دولت، مسئولان محلی، سهام‌داران و بخش خصوصی می‌شود. افزون بر این، امکان جذب سرمایه و قانون‌گذاری را افزایش داده و احتمال ناکامی را کاهش می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است. منظور از پژوهش کیفی، هر نوع پژوهشی است که یافته‌هایش با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی‌شدن به دست آمده باشد

(Strauss, 2006). به بیان دیگر، داده‌ها در پژوهش کیفی به صورت واژه (و نه به صورت ارقام) به توصیف واقعیت می‌پردازند. این نوع داده‌ها برای توصیف و تشریح شرایط پیرامون یک پدیده (موضوع و مقولات پژوهش) به کار می‌رود. علاوه بر آن، به کمک داده‌های کیفی می‌توان درباره مقولات مورد بررسی و عمق ساختار آن‌ها به تدوین فرضیه پرداخت و سرانجام نظریه‌پردازی کرد (Delaware, 2005). در مرحله اول پژوهش، از طریق مطالعه پیشینه پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، فهرست مقدماتی عوامل مؤثر شناسایی شد؛ فهرست مقدماتی به عنوان سؤالات مصاحبه و ابزار اولیه جمع‌آوری داده‌ها مدنظر قرار گرفت، سپس راهنمای مصاحبه تدوین و محقق قبل از انجام مصاحبه با هر یک از نخبگان آگاه، راهنمای مصاحبه را برای آن‌ها ارسال کرد. در مرحله بعد، مصاحبه‌های کیفی نیمه ساختارمند و عمیق با نخبگان آگاه از موضوع پژوهش به عمل آمد.

جامعه آماری این پژوهش متشکل از خبرگانی بود که در زمینه ورزش همگانی تخصص علمی، عملی و یا هر دو مورد را داشتند (از جمله اساتید دانشگاه که دارای کتب و یا پژوهش در ورزش همگانی بودند و همچنین مدیران سازمان‌های مرتبط با ورزش همگانی) و در نهایت با ۱۶ نفر از اساتید متخصص مصاحبه عمیق صورت گرفت.

پس از اتمام هر مصاحبه با استفاده از روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای یا گلوله‌برفی، از هر یک از افراد مورد مصاحبه خواسته شد که سایر خبرگان در زمینه ورزش همگانی را به محقق معرفی نمایند؛

دقت علمی در پژوهش‌های کیفی با استفاده از مفهوم قابلیت اعتماد و عناصر چندگانه آن، استراتژی‌های متعددی نظیر بازبینی در زمینه کدگذاری، تایید نتایج با مراجعه به آزمودنی‌ها، تایید همکاران پژوهشی و ... وجود دارد. در پژوهش حاضر نیز به کسب نظر اساتید و متخصصان امر در خصوص روند پژوهش، به منظور افزایش اعتبار پژوهش اقدام گردید. در این پژوهش نیز برای تایید دقت علمی، از بازبینی کدگذاری‌ها (پایایی باز آزمون) و تایید همکاران پژوهشی بهره گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش نتایج به دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها ارائه می‌شود. آسیب‌شناسی فرآیند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی کشور اولین هدف پژوهش بود. با بررسی نظرات شرکت‌کنندگان در مصاحبه، ۸ عامل ضعف نظارت و کنترل، ساختار ضعیف، ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا، عملکرد ضعیف رسانه‌ها، منابع مالی محدود، عملکرد ضعیف نیروی انسانی، قوانین، مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی به‌عنوان آسیب در فرآیند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی کشور شناسایی شده‌اند. این عوامل و مقوله‌های مرتبط با آن‌ها در جدول ۱ آمده است

انجام مصاحبه‌ها تا حد اشباع نظری ادامه یافت. به منظور تحلیل داده‌ها از روش استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱) استفاده شد (Streubert, 2011) لازم به ذکر است که اشباع نظری به این معنی است که دیگر، داده‌ها طبقات جدید و متفاوتی ایجاد نمی‌کنند و یا به ویژگی‌های طبقات موجود نمی‌افزایند. در این حالت، داده‌های اضافی، کمکی به تکمیل و مشخص کردن مقوله دیگری نمی‌کنند و نمونه‌ها از آن پس، مشابه به نظر می‌رسند. از نظر استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱) اشباع یعنی ادامه جمع‌آوری داده‌ها باعث تکرار جمع‌آوری داده‌های قبلی باشد و اطلاعات جدیدی حاصل نگردد. از این رو تعداد مشارکت‌کنندگان قبل از مطالعه مشخص نمی‌شود و تصمیم‌گیری در مورد مشارکت‌کننده بعدی توسط اطلاعات حاصل از مشارکت‌کننده‌های قبلی هدایت می‌شود و تا زمانی که کدهای جدیدی از مصاحبه‌ها استخراج شود و اطلاعات بدست آمده تکراری نباشد نمونه‌گیری ادامه می‌یابد. به عبارت دیگر در بخش کیفی، ابتدا مصاحبه جهت جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز انجام شد، سپس مصاحبه‌های انجام‌شده با دقت جزئیات رونویسی و مکتوب شدند. در جریان بازخوانی گزاره‌های اصلی به دست آمده، پس از آن مضامین و مقوله‌های اولیه برای گزاره‌ها انتخاب شدند و در نهایت مضامین و تم‌ها استخراج و مورد تحلیل قرار گرفت، جهت تأیید روایی و اطمینان‌پذیری داده‌ها یافته‌ها به تعدادی از مصاحبه‌شوندگان ارائه شد و نظرات‌شان دریافت و دوباره پرسیده شد. گوبا و لینکلن^۱ (۱۹۹۴) معتقدند برای تأیید روایی و

جدول ۱. آسیب شناسی فرایند سیاست گذاری در ورزش همگانی

مضمون/ها	مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها
ضعف نظارت و کنترل	عدم پیگیری کمیته ملی المپیک و پارالمپیک، عدم نظارت جدی اداری و سیستماتیک بر اجرای سیاست‌ها، عدم توجه وزارتخانه‌های مسئول
ساختار ضعیف	عدم وجود سامانه وزارتخانه و هیأت‌های استانی، وجود فدراسیون ورزش‌های همگانی و عدم فعالیت مستقیم زیر نظر وزارت ورزش، معاونت همگانی و غیرسازمانی بودن آن، نداشتن ساختار مدیریتی مناسب، ضعف نظام ارتباطی میان نهادهای مسئول
ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا	تعدد تصمیم گیرندگان و نداشتن وحدت رویه و برنامه‌ای جامع، عدم برنامه‌ریزی جامع و کاربردی با مشارکت تمام مسئولین ذیربط، تمرکز به روی برنامه‌های بلند مدت، دیر بازده بودن برنامه‌ها و طرح‌های پیش بینی شده، توجه بیش از حد به تبدیل سیاست‌ها به دستورالعمل‌ها و آیین نامه‌ها، توجه بیش از حد به استنادها، عدم توجه به فرآیند بین المللی و ایجاد فاصله با جهان
عملکرد ضعیف رسانه‌ها	عدم فرهنگ سازی
منابع مالی محدود	وابستگی مالی به دولت، سیاست‌گذاری‌های ناهماهنگ بر اساس میزان محدود منابع مالی و امکانات
عملکرد ضعیف نیروی انسانی	عدم استفاده از پیشکسوتان، تصمیم‌گیری سلیقه‌ای مسئولان و تغییرات مداوم سیاست‌ها، شعار دادن بدون عمل
قوانین	تمرکزگرایی، نهادینه نبودن سیاست‌ها و زنجیروار نبودن اهداف، سهم خواهی فدراسیون و وزارت ورزش از برنامه‌های ورزشی سازمان‌ها
مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی	بلااستفاده ماندن ساعات زیاد دانشگاه‌ها و مدارس و کارخانجات، عدم آسیب‌شناسی فاصله بین کشورهای صاحب سبک و ایران

جاری، توصیه بزرگان، ادارات و سازمان‌های ذیربط و مسئول، فرهنگ عمومی و رسانه‌ها و مسائل مالی می باشند. که مقوله‌های هر یک در جدول ۲ آمده است.

برای رسیدن به هدف بعدی پژوهش، عواملی که در فرآیند سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور نقش دارند مورد بررسی قرار گرفت. پنج عامل شناسایی شده از مصاحبه‌ها، شامل سیاست‌های

جدول ۲. عوامل مؤثر در فرآیند سیاست گذاری نظام ورزش همگانی در ایران

مضمون/ها	مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها
سیاست‌های جاری	سیاست‌گذاری در شورای عالی زیر نظر وزیر ورزش، اختیارات وزارت ورزش، هماهنگی یا عدم هماهنگی میان وزارت علوم و وزارت ورزش، دارا بودن نگاه واحد در بخش‌های مختلف و داشتن همدلی و خط مشی واحد، مطالعات عمیق در حوزه فعالیت کشورهای موفق و توجه به ساختار ورزش همگانی در جهان، سیاست‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و امنیتی، میزان تخصص کارشناسان ورزشی، پیش بینی طرح و برنامه و اعتبارات در برنامه‌های بلند مدت، توجه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذیربط، نظارت بر روند اجرای سیاست‌ها، سبک مدیریت تصمیم‌گیری
توصیه بزرگان	فرمایشات ائمه و بزرگان دین، مقام معظم رهبری و ریاست جمهوری
ادارات و سازمان‌های ذیربط و مسئول	مجلس و فراکسیون ورزشی، شورای ورزش همگانی کشور، فدراسیون‌های ورزشی، مدیران کل استان‌ها، استانداران، فرمانداران، مجلس
فرهنگ عمومی و رسانه‌ها	فرهنگ حاکم بر جامعه، مطالبات و درخواست مردم، رسانه‌ها
مسائل مالی	امکانات قابل دسترس عموم، کم هزینه و سهل الوصول، عوامل مالی، امکانات و بودجه

بخش دیگری از تحقیق به شناسایی و بررسی گروه‌هایی که به مسائل ورزش همگانی در کشور پرداخته شد. پس از بررسی دقیق اطلاعات بدست آمده، مؤلفه‌های این سؤال هم شناسایی شدند که شامل سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و ارگان‌های ذیربط و ذینفع، متخصصین و رسانه‌ها بودند. مقوله‌های مرتبط با این مؤلفه‌ها در جدول ۳ قابل ملاحظه هستند.

جدول ۳. گروه‌هایی که به بررسی و شناسایی مسائل ورزش همگانی می‌پردازند

مضمون/ها	مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها
سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و ارگان‌های ذیربط و ذینفع	آموزش و پرورش، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت تحقیقات و فناوری، نیروهای مسلح، مدیران استان‌ها و معاونت توسعه همگانی، شهرداری‌ها، فراکسیون ورزش در مجلس و فراکسیون زنان در مجلس، هیأت‌های ورزشی، فدراسیون‌ها، وزارت ورزش
متخصصین	پژوهشگاه‌های مختلف، دانشگاه‌ها، دانشجویان، کارشناسان و مربیان ورزش
رسانه‌ها	شورای سیاست‌گذاری ورزش در صدا و سیما، مطبوعات

بحث و نتیجه گیری

در سی سال گذشته علاقه جامعه دانشگاهی به فرایند سیاست عمومی و به خصوص اینکه چطور مسائل در برنامه کار دولت قرار می گیرد و عواملی که به انتخاب سیاست و تاثیر سیاست شکل می دهد رشد بسیار سریعی داشته است. در پژوهش حاضر نیز که با روش کیفی انجام گرفت، به بررسی عوامل موثری که بر فرآیند سیاست گذاری ورزش همگانی موثر هستند پرداخته شد. منفعت عمومی جامعه از سیاست گذاری، اثربخشی، سازگاری و میزان تطابق سیاست با اهداف و استراتژی های کلان دولت و نظام های نهادی، قانونی و اصلاحی، انصاف و برابری، انعکاس ارزش های جامعه عواملی هستند که با استفاده از آن می توان در مورد صحت یک سیاست یا فرایند سیاست گذاری قضاوت کرد (Danaee Fard, 2008).

نتایج بخش اول پژوهش نشان داد که آسیب های موجود در فرآیند سیاست گذاری در ورزش همگانی کشور شامل عواملی از جمله ضعف نظارت و کنترل، ساختار ضعیف، ضعف در برنامه ریزی و اجرا، عملکرد ضعیف رسانه ها، منابع مالی محدود، عملکرد ضعیف نیروی انسانی، قوانین، مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی است. ضعف نظارت و کنترل شامل مواردی از قبیل ضعف در سیستم نظارت و کنترل دقیق مسیرها و فرآیندها در زمینه سیاست گذاری، عدم پیگیری کمیته ملی المپیک و پارالمپیک و عدم نظارت جدی اداری و سیستماتیک بر اجرای سیاست ها و عدم توجه وزارتخانه های مسئول می شود. ژوزف و سیسیلیا (۲۰۱۵) نیز تحقیقی با عنوان سیاست ورزش در سوئد انجام دادند، نتایج حاکی از این بود که

سیاست های ورزشی در سوئد نتیجه یک رابطه بلندمدت بین دولت های ملی و محلی و باشگاه های غیرانتفاعی و با عضویت داوطلبانه است که منجر به حمایت گسترده ای از ورزش های سازمان یافته شده می شود (Josef, 2015). همچنین شعبانی و همکاران (۱۳۸۹)، یاراحمدی (۱۳۸۸)، جوادی پور و همکاران (۱۳۹۲) و آصفی (۱۳۹۶) بر این نکته اتفاق نظر داشتند که نبود برنامه های مدون برای تشویق و ترغیب مردم به ورزش همگانی، نبود مدیریت واحد و سیاست یکسان در زمینه ورزش همگانی و بهره نرفتن از نیروهای متخصص و کارشناس در زمینه ورزش همگانی از مهمترین ضعف ها و آسیب های شناخته شده است (M. Javadipour, Ghavedel Sarkandi, M., Sameenia, M., 2014; Shabani, 2016; Yar Ahmadi, 2009).

از دیگر آسیب های موجود در این فرآیند می توان به ساختار ضعیف از جمله عدم وجود ساختار قدرتمند مدیریتی و سازمانی، عدم وجود سامانه وزارتخانه و هیأت های استانی و وجود فدراسیون ورزش های همگانی و عدم فعالیت مستقیم زیر نظر وزارت ورزش، غیرسازمانی بودن معاونت همگانی، نداشتن ساختار مدیریتی مناسب، ضعف نظام ارتباطی میان نهادهای مسئول اشاره کرد. نتایج تحقیق اسدی و آصفی (۱۳۹۵) نیز نشان داد که عدم سیاست گذاری و هدایت راهبردی منسجم و صحیح، نبود چشم انداز صحیح و اهداف بلندمدت مناسب و در نهایت نبود برنامه های سالانه و عملیاتی مناسب مانع توسعه ورزش همگانی دانشگاه شده است. در این زمینه می توان گفت، راهبردها و سیاست گذاری های ورزش همگانی به حمایت

سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی نیاز دارد و باید حداکثر امکانات، منابع، نیروی انسانی و تجهیزات فراهم شود. همچنین در این زمینه نتایج تحقیق تیناز و همکاران (۲۰۱۴) به این نکته دلالت دارد که در حالی که سیاست ورزش در ترکیه در حال توسعه است، برخی مسائل از اهمیت بیشتری برخوردار است، از جمله ماهیت دائمی در حال تغییر ورزش مدارس، عدم تداوم در سیاست‌های عمومی ورزش و وابستگی به سازمان‌های خصوصی برای پر کردن هزینه‌هایی که با سرمایه‌گذاری ناقص بخش دولتی باقی مانده است که به وضوح بر هدف اصلی سیاست فعلی ورزش در ترکیه: "افزایش مشارکت مردم در ورزش" تأثیر گذار است.

در دنیای امروز که تغییرات و تحولات شگرف در زمینه‌های مختلف صورت می‌گیرد، سیستم‌های سازمانی برای کسب موفقیت باید از برنامه‌ریزی-های آینده نگر و محیط‌گرا استفاده نمایند، به نحوی که ضمن شناسایی عوامل و تحولات محیطی در افق زمانی بلندمدت، تأثیر آن‌ها بر سازمان و نحوه تعامل سازمان با آن‌ها را مشخص کند. آسیب بعدی در این فرایند، ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا است، از جمله تعدد تصمیم‌گیرندگان، نداشتن وحدت رویه و برنامه‌ای جامع و کاربردی با مشارکت تمام مسئولین ذیربط، تمرکز به روی برنامه‌های بلند مدت، دیر بازده بودن برنامه‌ها و طرح‌های پیش‌بینی شده، توجه بیش از حد دربارهٔ تبدیل سیاست به دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها، توجه بیش از حد به استنادها، عدم توجه به فرآیند بین‌المللی و ایجاد فاصله با جهان. انجمن ارزیابی و برنامه آموزشی ویکتوریا (۲۰۱۰)، در پژوهشی نشان داد مقررات/ سیاست‌ها اعم از سیاست‌های

برنامه‌ریزی شهری، سیاست‌های حمل و نقل فعال، سیاست‌های آموزشی مانند اختصاص زمان برای کلاس‌های تربیت‌بدنی، سیاست‌های ورزشی، سیاست‌های سلامتی، سیاست‌های محیط‌زیست، سیاست‌های محل کار و سیاست-های سرمایه‌گذاری از عوامل مؤثر بر مشارکت در فعالیت ورزشی بودند. نتایج مطالعات واحد (۱۳۸۸) نیز نشان داد که عدم برنامه‌ریزی مناسب، کمبود نیروی انسانی و بی توجهی مدیران از مهمترین عوامل ضعف در ورزش همگانی استان اصفهان می‌باشد، که با نتایج این تحقیق که فقدان برنامه‌ریزی در مورد ورزش همگانی و مدیریت را از عوامل مهم ضعف برشمرده بودند، همخوانی دارد (Vahed, 2009).

از نظر مصاحبه شوندگان عملکرد ضعیف رسانه‌ها شامل عدم فرهنگ سازی است که با نتایج پژوهش‌های نامراتو (۲۰۰۹) و شیهو (۲۰۰۴)، کاشف و عراقی (۱۳۹۳) که سیستم اطلاع‌رسانی، تبلیغات ضعیف و ضعف در راهبردها را از ضعف‌های ورزش همگانی بر شمرده بودند، همخوانی دارد (Eraqi, 2014; Numerato, 2009; Shehu, 2004). از جمله تحقیقات همسوی دیگر با این پژوهش می‌توان به گودرزی و همکاران (۱۳۹۴)، ایرج پور و همکاران (۱۳۹۵) و عرب نرمی و همکاران (۱۳۹۵) اشاره کرد که نشان دادند تلویزیون ایران نسبت به ورزش همگانی رویکرد مناسبی ندارد و این مسأله نیازمند تغییر نگرش در مدیران سازمان نسبت به این موضوع است.

با وجود تأثیر رسانه‌های جمعی بر توسعه فرهنگی ورزش کشور، رسانه‌های جمعی توجه مناسب و مطلوبی به این مسئله ندارند و بیشتر برنامه‌های ورزشی رسانه‌ها در ارتباط با ورزش قهرمانی و حرفه‌ای می‌باشد و کمتر به ورزش همگانی توجه شده است. بنابراین توصیه می‌شود که برنامه مناسبی در جهت تعامل با رسانه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها برای توسعه فرهنگی ورزش کشور و ایجاد انگیزه و آگاهی نسبت به فعالیت بدنی در ابعاد مختلف انجام شود.

منابع مالی محدود که از دیگر آسیب‌های موجود در فرآیند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران است، در این زمینه پیتز بارندز (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان برنامه ملی، دانش و نوآوری در ورزش و فعالیت بدنی در کشور هلند، به سه ابزار اصلی این برنامه اشاره نمود: مشوق‌های ورزشی محله‌ای (جهت ایجاد انگیزه میان مردم در تمام سنین برای ورزش یا فعالیت بدنی بیشتر)، انگیزش ورزشی: کمک مالی به پروژه‌های ورزشی و تمرینی (کمک‌های مالی انگیزشی ورزشی برای باشگاه‌های ورزشی، مراکز تناسب اندام و دیگر ارائه دهندگان ورزشی در نظر گرفته شده تا برنامه فعالیت برای گروه‌های با مشارکت پایین یا کم تحرک راه اندازی نمایند) و به اشتراک‌گذاری تخصص و دانش در سطح ملی و محلی برای ایجاد شبکه در سطح محلی بین سازمان‌های ورزشی و سازمان‌های غیر انتفاعی محلی، مانند مدارس و سایر نهادهای عمومی (Barendse, 2017).

آسیب دیگری که از نظر مصاحبه شوندگان تحقیق، سیاست‌گذاری ورزش همگانی را تهدید می‌کند، عملکرد ضعیف نیروی انسانی است که

از مصداق‌های آن می‌توان به عدم استفاده از پیشکسوتان در این عرصه، تصمیم‌گیری سلیقه‌ای مسئولان، تغییرات مداوم سیاست‌ها از جانب ایشان و شعارهای بدون عمل اشاره کرد. در این رابطه می‌توان به انجمن المپیک مالزی اشاره کرد که با اجرای اولین برنامه استراتژیک خود (۲۰۰۳-۱۹۹۳) به موفقیت‌هایی چون افزایش اعتبار و جایگاه، به کارگیری فن‌آوری اطلاعات، بهره‌مندی از نیروی انسانی متخصص، بازسازی تسهیلات و امکانات، اصلاح اساسنامه طبق نیازهای جدید، تقویت بنیه مالی، برگزاری کنفرانس سالیانه و تأسیس آکادمی ملی المپیک نائل شده است (به نقل از کشاورز و همکاران، ۱۳۹۰). از جمله آسیب‌های موجود در حیطه قوانین و مقررات، متمرکز بودن قوانین بدون توجه به شرایط منطقه‌ای، آداب و رسوم‌ها و فرهنگ مردم، بی توجه بودن به سرمایه‌های بالقوه در استان‌ها و بودجه و امکانات موجود و نهادینه نبودن سیاست‌ها، زنجیروار نبودن اهداف و سهم خواهی فدراسیون و وزارت ورزش از برنامه‌های ورزشی سازمان‌ها می‌باشند. آصفی (۱۳۹۶) نیز بیان می‌کند که دولت یا نهاد حکومتی کشور می‌تواند نقش مهمی در نهادینه شدن ورزش همگانی در ایران ایفا کند. همچنین از نتایج تحقیق او این بود که تدوین قوانین و مقررات مناسب و لازم الاجرا در زمینه ورزش همگانی نیز در نهادینه شدن آن می‌تواند سهم مهمی داشته باشد. همچنین یافته‌های تحقیق با نتایج تحقیقات کو (۲۰۰۸) که کم هزینه بودن ورزش‌های همگانی، قوانین و مقررات حمایتی کارآمد و درآمد بالای افراد، را گزارش کرده‌اند، همخوانی دارد (Kuo, 2008).

همگانی در کشورها می‌باشد. اولین عامل مؤثر در این فرآیند نیز سیاست‌های جاری بود، در کشور ایران، سیاست‌گذاری ورزش همگانی در شورای عالی زیر نظر وزیر ورزش انجام می‌گیرد. شورایی که متأسفانه چندین سال است تشکیل نشده است. تعدادی از مقوله‌های اشاره شده در مورد مضمون سیاست‌های جاری توسط مصاحبه شوندگان در جدول ۲ اشاره شده است. در این زمینه، در سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور، برنامه ششم توسعه و طرح جامع ورزش کشور نیز به توسعه ورزش توجه ویژه‌ای شده است. در خطی مشی برنامه توسعه ششم به این مهم توجه شد که همگانی کردن ورزش و گسترش فعالیت‌های تربیت بدنی خصوصاً بین جوانان به منظور پرورش جسم و روح و پربار کردن اوقات فراغت بین عموم مردم سبب ارتقا کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه می‌شود (The Law of the Five-Sixth Program of Economic, 2017). از طرف دیگر امروزه به وضوح روشن است که ساختار سازمان‌ها به گونه ای پیچیده شده که آن‌ها بدون برنامه ریزی‌های دقیق به هیچ وجه نمی‌توانند به حیات خود تداوم بخشند. سازمان‌های ورزشی نیز از این مقوله مستثنی نیستند. برنامه ریزی در یک سازمان ورزشی همانند هر سازمان دیگری به عنوان مهمترین وظیفه مدیریت به شمار می‌رود. در حقیقت، برنامه‌ریزی در یک سازمان ورزشی باعث می‌شود تا اهداف همه فعالیت‌ها و گروهی تعیین شده و نحوه دستیابی

و آخرین آسیب ذکر شده در این فرایند، مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی شامل بلااستفاده ماندن ساعات زیادی در دانشگاه‌ها و مدارس و کارخانجات و بی توجهی به فاصله ایجاد شده بین کشورهای صاحب سبک در زمینه ورزش همگانی و ایران بود. از جمله تحقیقات همسو با این بخش از پژوهش می‌توان به آصفی (۱۳۹۲) اشاره کرد که در نتایج تحقیق خود بیان می‌کند که واحد تحقیق و توسعه می‌تواند در نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور کمک کننده باشد و انجام تحقیقات در مورد موانع توسعه ورزش همگانی، نیاز سنجی از افراد، روندهای مشارکت در ورزش همگانی و انجام مطالعات تطبیقی و الگو برداری از کشورهای پیشرفته در بخش ورزش همگانی را زمینه ساز رشد و گسترش ورزش همگانی در جامعه می‌داند. همچنین آفرینش خاکی و همکاران (۱۳۸۴)، بر لزوم مطالعه، تحقیق و بررسی راه‌های مختلف در توسعه هر چه بیشتر ورزش همگانی تأکید می‌کنند و گردآوری داده‌های مورد نیاز در این زمینه را نخستین گام در مسیر تصمیم گیری‌های بعدی می‌دانند. از مباحث مطرح شده می‌شود به خوبی اهمیت تحقیق و پژوهش در فرآیند برنامه‌سازی را درک کرد.

از نتایج بخش دیگری از پژوهش این نتیجه حاصل شد که سیاست‌های جاری، توصیه بزرگان، ادارات و سازمان‌های ذیربط و مسئول، فرهنگ عمومی و رسانه‌ها و مسائل مالی عواملی هستند که در فرآیند سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی ایران نقش دارند. داشتن استراتژی و سیاست‌های روشن و مدون برای توسعه ورزش همگانی یکی از عوامل اصلی توسعه ورزش

به آن اهداف طرح ریزی شود. سوابق موفقیت‌های کسب شده در کشورهای موفق در حوزه سلامت نشان می‌دهد برنامه‌ریزی و تدوین سیاست‌های اثربخش، نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند. تدوین یک برنامه منسجم در این زمینه سبب حمایت دولت، مسئولان محلی، سهام‌داران و بخش خصوصی می‌شود، افزون بر این امکان جذب سرمایه و قانون‌گذاری را افزایش می‌دهد و احتمال ناکامی را کاهش می‌دهد (Bull, 2004; Downward, 2010). همچنین بررسی وضعیت همگانی در کشورهای استرالیا، آلمان، ژاپن، مالزی، فنلاند و دانمارک نشان می‌دهد که برنامه منظم برای رشد و توسعه ورزش همگانی در این کشورها بیش از ۵۰ سال سابقه دارد. عوامل متعددی در این موفقیت نقش دارد که قبل از هر چیز می‌توان به رشد برنامه ورزش همگانی در چارچوب برنامه‌های ملی این کشورها و حمایت مؤثر دولت‌ها از این برنامه‌ها اشاره کرد. داشتن استراتژی و سیاست‌های روشن و مدون برای توسعه ورزش همگانی یکی از عوامل اصلی توسعه ورزش همگانی در این کشورها می‌باشد (Downward, 2010; M. Javadipour, 2011).

عامل مؤثر بعدی در فرآیند سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی ایران، توصیه بزرگان بود. توصیه‌های بزرگان علاوه بر وضع الزامات عملی، مسیر پیش رو را روشن کرده و با راهنمایی‌های ارزنده و سازنده و در مواردی حمایت، موجب ایجاد انگیزه و روحیه می‌شوند. با توجه به تاکیدات زیاد آیات قرآن و احادیث نسبت به اهمیت سلامت جسم و همچنین رهنمودهای مقام معظم رهبری و همچنین تاکید مستمر

ایشان به ورزش و تقویت جسم در کنار تحصیل و تهذیب، ضروری است، سایر رهبران دینی و مدیران کشور نیز به این امر اهتمام ورزند و راه را برای توسعه ورزش همگانی در جامعه فراهم آوردند (Shahbazi, 2013). مطابق با نتایج تحقیق، از دیگر عوامل مؤثر در فرآیند سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی ایران، ادارات و سازمان‌های ذیربط و مسئول می‌باشند. در ایران مجلس و فدراسیون ورزشی، شورای ورزش همگانی کشور، فدراسیون‌های ورزشی، مدیران کل استان‌ها، استانداران و فرمانداران در فرآیند سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی ایران نقش دارند. به عبارت دیگر ورزش همگانی به معنی خلق فرصت‌ها و محیط مطلوب از طریق همکاری تمام سازمان‌های درگیر (دولتی و غیر دولتی) برای اینکه هر فردی بدون توجه به جنسیت، سن، توانایی، موقعیت اجتماعی-اقتصادی و نژاد بتواند در فعالیت‌های جسمانی و ورزشی شرکت نماید، است. تمام این سازمان‌ها به مسئولیت ملی برای اطمینان از اینکه هر شهروند حق مساوی برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی و جسمانی دارند، اشاره می‌کنند. دولت و سازمان‌های غیر دولتی نقش مهمی در دستیابی به مشارکت در ورزش و فعالیت‌های جسمانی ایفا می‌نمایند (کمیته ورزش‌های همگانی، ۲۰۰۹؛ منسفیلد و پیگین، ۲۰۱۶). این تعاریف نشان می‌دهد که ورزش همگانی نه فقط مورد توجه بسیاری از اشخاص و سازمان‌های حرفه‌ای و بزرگ ورزشی مانند کمیته بین‌المللی المپیک قرار دارد، بلکه تمام متخصصان تربیت بدنی و علوم ورزشی در داخل و خارج کشور، ورزش همگانی و یا گسترش و همگانی کردن انواع فعالیت‌های بدنی و ورزشی

را وسیله‌ای ارزشمند برای ارتقا بهداشت جسمانی و روانی آحاد جامعه، توسعه و ترویج فرهنگ ورزش می‌دانند.

عامل موثر بعدی که در فرآیند سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی ایران نقش دارد، فرهنگ عمومی و رسانه‌ها شامل فرهنگ حاکم بر جامعه، میزان توجه مردم به ورزش، مطالبات و درخواست آن‌ها از مسئولان، رسانه‌ها و فرهنگ سازی و پیگیری مطالبات مردم بود. در این زمینه قاسمی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان رویکردهای تبلیغ رسانه ای ورزش همگانی با تاکید بر آگهی‌های خدمات عمومی (PSA) پیشنهاد کرد که نظر به ظرفیت‌های ورزش همگانی از یک سو و لزوم کسب نتیجه در حداقل زمان ممکن، یکی از بهترین روش‌ها، نوعی از آگهی تبلیغاتی به نام آگهی خدمات عمومی با ویژگی‌های خاص خود است (Ghasemi, 2016). همچنین هوم (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان ورزش و رسانه‌های گروهی در ژاپن، به این نتایج دست یافت که به منظور تهیه محتوا برای جذب بیشتر مخاطب، رسانه‌های گروهی بیشتر به ورزش روی آورده اند، فشارهای فزاینده اقتصادی بر روی رسانه‌های گروهی، به ویژه شرکت‌های تلویزیونی و فواید اقتصادی ورزش در مقابل دیگر برنامه‌های تلویزیونی (مثل نمایش، مستند و غیره) باعث شد تا آن‌ها ورزش را به عنوان یک راه کم هزینه جذاب، سازگار، و تماشاگرپسند، شناسایی کردند. رسانه‌های جمعی به عنوان شکل‌های فرهنگی و فناوری‌ها، کانون تهیه و انتشار مفاهیم اجتماعی- فرهنگی ورزش و فرهنگ‌های فراغت در جوامع آسیایی بود.

اساتید و متخصصان ورزش همگانی که در این تحقیق مورد مصاحبه قرار گرفتند اعلام داشتند که مسائل مالی از جمله امکانات قابل دسترس عموم و کم هزینه و سهل‌الوصول بودن امکانات، عوامل مالی و امکانات و بودجه در فرآیند سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی ایران نقش دارند. یافته‌های پژوهش ملک اخلاق و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد، در خارج سازمان ۴ عامل و در داخل سازمان ۶ عامل اجرای استراتژی را متأثر خواهند کرد. عوامل خارجی در اجرای استراتژی‌های سازمانی از اولویت یکسانی برخوردارند، اما عوامل داخلی اولویت‌بندی متفاوتی داشتند. از میان عوامل داخلی اولویت اول به منابع مالی و اولویت نهایی به ساختار سازمان اختصاص یافت (Malekakhlagh, 2017). در تمام کشورهای دنیا به ورزش یارانه اختصاص داده می‌شود، اگر چه مقدار و نوع آن متفاوت است این کمک‌های مالی شامل موارد ذیل هستند: یارانه مستقیم یا کمک مالی به ورزش، یارانه‌های غیر مستقیم مثل تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی، سرمایه‌گذاری کردن با هدف ورزش به صورت رایگان یا همراه با یارانه از سوی دولت‌ها (Heinmann, 2005). با این حال، اغلب حکومت‌ها برای ترویج سلامتی و تناسب اندام بین شهروندان سرمایه‌گذاری قابل- توجهی را از ورزش به‌عمل می‌آورند. هر اندازه دولت‌ها در بخش ورزشی سرمایه‌گذاری می‌کنند و شهروندان به سمت ورزش کشیده می‌شوند، به همان میزان هزینه‌های درمانی و پزشکی کاهش می‌یابد. البته سرمایه‌گذاری و حمایت دولت‌ها از ورزش صرفاً به دلیل کاهش هزینه‌های درمانی نیست، بلکه سلامتی و شادابی جامعه به دلایل

جهت بهره مندی از علم روز دنیا و ایجاد پلی ارتباطی میان مردم و مسئولین از طریق ایشان. ایجاد کارگروهی مستقل جهت برقراری ارتباط سازنده و کاربردی و رفع موانع درون سازمانی و برون سازمانی با عضویت دستگاه‌های ذیربط و وزارتخانه‌های ورزش، علوم، بهداشت و آموزش و پرورش با حداکثر قدرت اجرایی.

مطالعه تطبیقی و الگوبرداری از کشورهای پیش قدم و با تجربه در ورزش همگانی و بومی‌سازی آن با توجه به توانایی‌ها و امکانات موجود.

ایجاد انگیزه و فراهم کردن شرایط و رفع موانع مشارکت بخش خصوصی و نهادهای عمومی جهت سرمایه‌گذاری در ورزش همگانی و رفع مشکلات اقتصادی.

بهره‌گیری از سرمایه‌های مردمی، خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها در برآورد کردن نیازها و خواسته‌ها، سرمایه‌گذاری، اجرای برنامه‌ها و نظارت بر اجرا. تهیه گزارش‌های ملی از وضعیت ورزش همگانی و رصد کردن مکرر آن از اولویت‌های اصلی برای طراحی ساختار ورزش همگانی ایران به‌شمار می‌آید.

تقدیر و تشکر

در پایان از حمایت صندوق پژوهشگران کشور، فدراسیون ورزش‌های همگانی، مدیران و صاحب نظران و اجرایی که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

منابع

- Alwani, S. M., Sharif Zadeh, F. (2004). The course of General Policy making: Tehran, Allameh Tabatabaei University Press.[Persian]
- Aman, M. S. (2005). Leisure policy in New Zealand and Malaysia: A

متعدد مهم و ضروری می‌باشد. با این همه، اعتقاد عمومی‌بر این است که شرکت در ورزش باعث بهبود سلامتی و کاهش هزینه‌های درمانی می‌شود.

با توجه به نتایج تحقیق جهت کاهش آسیب‌ها و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی برای طراحی نظام سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران با توجه به عوامل شناخته شده در این پژوهش پیشنهادهایی ارائه می‌گردد.

بدیهی است شناخت عمیق این چالش‌ها بر پایه مطالعات پژوهشی و تحلیل آن‌ها در فرایند مدیریت و برطرف کردن آن‌ها نخستین گام در سیاست‌گذاری ورزش همگانی در ایران بشمار می‌آید. در این بخش دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی نقش فعال را باید ایفا نمایند.

تهیه و تنظیم قوانین، سیاست‌ها و دستورالعمل‌های ثابت و در عین حال منعطف، یکسان، همسو، کاربردی، منسجم و جامع و ابلاغ آن‌ها به تمام دستگاه‌های ذیربط و نظارت بر اجرای صحیح آن‌ها در کنار تهیه و تنظیم قوانین و دستورالعمل‌ها و سیاست‌های مختص به هر منطقه و فرهنگ.

برطرف کردن چالش‌ها و حفره‌های مدیریتی و سازمانی، تقویت ارتباطات درون سازمانی و برون سازمانی بین نهادهای مسئول و از بین بردن قوانین بازدارنده و محدودکننده و پوشاندن.

نیازسنجی، استعدادیابی و توجه به ظرفیت‌های بالقوه در دانشگاه‌ها و مدارس و خانواده‌ها، آداب و رسوم و فرهنگ مناطق مختلف کشور و برنامه‌ریزی بر اساس آن‌ها.

تشکیل شورایی متشکل از متخصصین، اساتید دانشگاه، کارشناسان، پیشکسوتان و قهرمانان

- University of Tehran, Tehran. [Persian]
- Dousti, M., Godarzi, M., Asadi, H., Khabiri, M., (2013). Sport policy in Iran. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 5(1), 151-158.
 - Downard, P., Rasciute, S., (2010). The relative demands for sports and leisure in England. *European sport management quarterly*, 10(2), 189-214.
 - Eraqi, M., Kashif, MM., (2014). Challenges for the development of universal sport in Iran and its strategies. *Sport Management*, 6(4), 643-655. [Persian]
 - Ghasemi, H. (2016). Public Sports Media Advertising Approaches with emphasis on Public Service Ads (PSAs). Paper presented at the 2nd international sports international conference, Iran, Tehran. [Persian]
 - Heinmann, K. (2005). Sport and the Welfare State in Europe. Retrieved from European College of Sport Science.
 - Houlihan, B. (2005). Public sector sport policy. Developing a framework for analysis international. *Review for the Sociology of Sport*, 40(2), 163-185.
 - Javadipour, M. (2011). The development strategic plan of sport for all, the research project. [Persian]
 - Javadipour, M., Ghavedel Sarkandi, M., Sameenia, M., (2014). Introduction to The Theoretical Framework and Model Designing of Sport for All in Iran. *Journal of Sport Management Review*, 5(21), 127-148. [Persian]
 - Johnson, C. (1984). *Revolutionary Revolution* (H. Elyasi, Trans.). Tehran: Amir Kabir Publishing.
 - comparative study of developments in sport and physical recreation. (PhD thesis,), University New Zealand, Lincoln.
 - Arab Narmi, B., Goudarzi, M., sajadi, SN., Khabiri, M. . (2016). Television and development of sport for all: a Grounded Theory. *Journal of Sport Management*, 8(40), 17-40. [Persian]
 - Asefi, A., asadi dastjerdi, H., (2017). An Investigating of Developmental Barriers of Sport for All in State Universities of Tehran City and Presenting Developing Strategies. *Journal of Sport Management*, 8(6), 823-844. [Persian]
 - Barendse, P. (2017). National Program, Knowledge and Innovation in sport and Physical Activity in the Netherlands. Paper presented at the Second International Sport for all Conference, Tehran.
 - Bull, F. (2004). Developments in National Physical Activity Policy: an International Review and Recommendations towards Better Practice. *JSci Med Sport*, 1(7), 20-32.
 - Comission, A. S. (2017). Intergenerational Review of Australian Sport Retrieved from Boston Consulting Group:
 - Danaee Fard, H. (2008). Challenges for public administration in Iran. Tehran: Samt Publication. [Persian]
 - Delaware, A. (2005). *Research Methods in Psychology and Educational Sciences*. Tehran: Virayesh Publication. [Persian]
 - Dousti, M. (2011). The Explanation and Analysis of the Causes and Consequences of the Entry to the Sport of Iran by Ph.D. (Ph.D),

- Numerato, D. (2009). The institutionalization of regional public sport policy in the Czech Republic. *International Journal of Sport Policy*, 1(1), 13-30.
- Österlind, M. (2016). Sport policy evaluation and governing participation in sport: governmental problematics of democracy and health. *International journal of sport policy and politics*, 8(6), 347-362.
- Piggin, J. (2014). Discourse analysis and its application to sport policy analysis. In: I. Henry and L.-M. Ko, eds: Routledge.
- Sargit, S. (2017). Sport Malaysia: Policies and development strategies for the Populace. Paper presented at the Second International Sport for all Conference, Tehran Second International Sport for all Conference, Tehran.
- Shabani, A., Ghafouri, F., Honari, H.,. (2016). Study on policies and strategies of sport for all in comprehensive sport plan of Iran. *Sport Management Studies*, 6(27), 15-30. [Persian]
- Shehu, J. (2004). Sport for all in post colony: Is there a place for indigenous games in physical education curriculum and research in Africa. *Africa Education Review*, 1(1), 21– 33.
- Sport, O. D. o. D. S. a. C. S. o. P. a. (2002). Physical education organization in the Islamic Republic of Iran's, . Retrieved from [Persian]
- Strauss, A. L., Corbin, J M. (2006). *Principles of Qualitative Research Methodology: The Basic Theory of Procedures and Practices* (B. Mohammadi, Trans.). Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.[Persian]
- Josef, F. C., S.,. (2015). Sport policy in Sweden. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 8(3), 515-531.
- keshkar, S., Ghasemi, H., Choopankareh, V. . (2017). The role of social communication on recreational sport participation in the parks of Mashhad. *Sport Management and Development*, 6(1), 241-256. [Persian]
- Kim, B. C. (2001). Sport, Politics, and the New Nation: Sport Policy in the Republic of Korea. 1961-1992.
- Kuo, C. (2008). An Application of the Modified SMART-SWOT Method in Casino Institution, A Case of Penghu Archipelago,. *Journal of Quality Assurance in Hospitality & Tourism*, 9(4), 337 – 346.
- Malakoutian, M. (2009). Sport and Politics. *Journal of Faculty of Law and Political Scince*, 39(2), 301-316. [Persian]
- Malekakhlagh, I., taslimi, Z., Reihani, M., Salimi, N. (2017). Recognizing and prioritizing the effective factors on organizational strategy implementation in Iranian governmental sport organizations. *Sport Management and Development*, 6(1), 1-18. [Persian]
- Masaru, I. (2005). *Sport for All In Japan*. Sasakawa Sports Foundation.
- Nicholson, M., Hoyer, R., and Houlihan, B. (2011). Participation in sport: international policy perspectives: Oxon, Routledge.
- Nogawa, H., , Funaki, Y.,. (2017). In pursuit of sport for all in Japanese society-Acceleration of Sporting Utopia. Paper presented at the Second International Sport for all Conference,, Tehran.

(Master thesis), Payame Noor University of Tehran, Tehran. [Persian]

- Streubert, H., Carpenter, DR., (2011). Qualitative research in nursing Philadelphia: Lippincott co.
- Taefi, H., Javadipour, M., Athqia, N (2014). A Survey on the Status and Desire of the Policy Process of Iran's Public Sports System. (Master), Al-Zahra University, Tehran. [Persian]
- Teimuri, A. (2006). Evaluation and comparison of the performance of the Center for Development of Sports and Recreation and the Center for the Development of Iran's Championship Exercise Based on the Wiseboard Model. (Master's thesis), University of Tehran, Tehran. [Persian]
- The Law of the Five-Sixth Program of Economic, S. a. C. D. o. t. I. R. o. I.-. (2017). Retrieved from [Persian]
- Thibault, L., Kihl, L., Babiak, K., . (2010). Democratization and Governance in International Sport: Addressing Issues With Athletic Involvement in Organizational Policy. International of Sport Policy., 2(3), 275-302.
- Thomas, B. (2010). Women's work experiences and health in a male dominated industry. 38(7), 663-672.
- Tinaz, C., Michele, D., Salisbury, P., . (2014). Sport policy in Turkey., Journal of Sport Policy and Politics, 6(3), 533-545.
- Vahed, V. (2009). *A Study of Public Sports Strategies in Isfahan Province.* (master's thesis), Islamic Azad University Boroujerd Branch, Boroujerd. [Persian]
- Yar Ahmadi, M. (2009). *Examine the current status of the championship and general sport of the city of Dorood.*

The Study of the Effective Factors on the Process of Policy-Making of Sport for All in Iran

Javadi Pour M ^{1*}, Atghia N ², Rahbari S ³, Taefi H ⁴

Received: October 24, 2017

Accepted: January 31, 2017

Abstract

Objective: The purpose of the present study was reviewing the effective factors on the process of policy-making of sport for all in Iran.

Methodology: Research method in terms of the purpose was practical and in view of the nature of the research data was qualitative. For this purpose, 16 experts aware of the sport for all selected by targeted and snowball for depth unstructured interviews. The data were collected through interviews and coded and analyzed by Streubert and Carpenter's method.

Results: The results showed that the organizational components, beliefs and cultures, economic conditions, analysis, interpretation and compilation of scientific, studies and research are the factors affecting in sport's policy-making and existing damage in the process of policy-making in sport for all including factors such as poor monitoring, poorly structured, lack of planning and implementation, poor performance of the media, limited financial resources, poor performance of human resources, rules and limited partnerships, academic and research centers. Also results Revealed that the main effective factors on the process of policy-making of sport for all in Iran including current policies, the advice of leaders, concerned and responsible agencies and organizations, popular culture, media and financial factors.

Conclusion: According to the results of the research, it is suggested that consideration and analysis of these factors be considered as the first steps in the decision-making of sport for all policy-making process in Iran.

Keywords: Policy-making, Sport for All, Iran.

1. Associate Professor of Methods and Educational Programs, University of Tehran, Tehran, Iran*, 2. Associate Professor, Al-Zahra University, Tehran, Iran, 3. PhD of Sport Management, Department of Physical Education, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, 4. Master of Sport Management, Al-Zahra University, Tehran, Iran

* Corresponding author's e-mail address: javadipour@ut.ac.ir